

## ۴۸. خاصیت‌های منفور

در خاطرتان هست که در برنامه گذشته راجع به هفت اصلی که مورد تنفر خدا است ذکر کردیم و راجع به اولین آنها توضیح دادیم. هفت تا را امروز تکرار میکنیم تا به شش تای آخر دقت کنیم. حضرت سلیمان تحت الهام پروردگار فرمود: «هفت چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد: نگاه متکبرانه، زبان دروغگو، دستهایی که خون بیگناه را می ریزند، فکری که نقشه های پلید می کشد، پاهایی که برای بدی کردن می شتابند، شاهدهی که دروغ می گوید، شخصی که در میان دوستان تفرقه می اندازد.» (امثال ۶: ۱۲-۱۹).

امروز با خصلت دوم برنامه خود را شروع میکنیم، یعنی زبان دروغ. آیا کسی هست که از فریب خوردن خوشش بیاید؟ آیا راست گوئی شما از روی صداقت است یا مصلحت؟ خداوند خدای راستی است. دروغ و نیرنگ به پروردگار عارف زبانی نخواهد رسانید زیرا که عارف کل است. دروغ فقط به انسان زیان می رساند. دروغ سه ضرر دارد، اولی به کسی که باو دروغ گفته میشود زیان میرساند، دوم به کسی که راجع باو دروغ گفته میشود و سوم به خود شخص دروغگو. در کمال صداقت باید گفت که بزرگترین این زیانها سومین است، که به خود گوینده دروغ بیشترین خسارات را وارد می سازد. دروغگو خواهان فرار از حقیقت است. دروغ برای باطل یا بی ثمر کردن حقیقت است. دروغگوئی دلیل آن است که گوینده معتقد به خدای دانا و بینا نیست و در برابر اراده او تسلیم نشده است. اولین دروغگو شیطان بود و هر که دروغ

گویند پیرو اوست. ناگفته نماند که دروغ مصلحت آمیز وجود ندارد. وظیفه کسی که تسلیم شده آنست که راست بگوید و نتیجه را به خداوند بسپارد.

اسرار شما را فقط خداوند می داند و نه کس دیگر - حال که فقط خداوند اسرار شما را می داند آیا برای نفع شخصی خود متوسل به دروغ می شوید؟ آیا قبل از آنکه پیش داور حقیقی برای جوابگوئی بایستید از عمل خود توبه می کنید؟

دستهائی که خون بیگناه را می ریزند و دلی که تدابیر فاسد را اختراع میکند و پاهائی که در زیانکاری تیز رو میباشند همه آنها انواع و اقسام حملاتی است که بر افراد معصوم وارد میشوند، خونریزی منحصر بقتل نیست. قتل نتیجه افکار مخرب و فاسد است. باری بزرگترین ضرر خونریزی برای شخص آنست که مغزش را با افکار عداوت آمیز پر کرده باشد زیرا اوست که از مزایای حیات جاودانی محروم خواهد ماند. در انجیل چنین قید شده: «هر که از برادر خود نفرت داشته باشد، در واقع قاتل است.» (اول یوحنا ۳: ۱۵). مطمئناً افکاری را که به مغز خود راه می دهیم و در سر می پرورانیم مسیر هدف و عاقبت ما را تعیین میکنند.

دروغگو امتحانات بی پایه و جعلی را ارائه میدهد تا متخلف را آزاد و بی گناه را مجرم سازد. هنگامی که قضاوت بدست چنین اشخاصی واگذار می شود آسیب غیر قابل سنجشی به محکمه عدالت و مقررات دادگاه وارد می آید. ولی این عمل بدادگاه محدود نیست. چه بسا مردم که با سهل انگاری به بچه هایشان دروغ گفتن را یاد می دهند. وقتی که مادر به فرزند خردسالش می گویند «گریه نکن من

باین یکی اتاق می روم» ولی از آن اتاق مجاور پنهانی بشهر می رود به بچه اش یاد می دهد که دروغ گفتن شایسته است. وقتی مهمان در را میزند و شما برای چندمین بار به فرزندان سفارش می کنید که بگویند «بابام خونه نیست.» این طرز رفتار کذب آمیز تربیتی نادرست و منحرف بوده، نتیجه آن سوختن در آتشیهای جهنم عادی شده است. کاسب

بدروغ قسم می خورد که فلان مقدار را برای فلان جنس پرداخته و با این دروغ خیال می کند که از مشتری پول بیشتری گرفته است. دروغ گفتن و خیانت کردن فقط به حرف نیست بلکه با بالا بردن ابروها یا حرکت دست و از این قبیل حرکات می توان مرتکب گناه شد. خداوند امت خاص را از هر ملت و قوم و قبیله فرا میخواند تا در تمام خصوصیات زندگی و جزئی ترین مراحل عمر امین باشند. او میخواهد آنان تسلیم اوامر و اراده آفریننده شوند زیرا که حساب زندگی هر فرد، اول بدست او، و سپس بدست هموعانش میباشد.

هفتمین و آخرین چیزی که خداوند از آن نفرت دارد ایجاد نزاع و نفاق در میان برادران است. در اینجا بکسانی اشاره میکند که چاپلوسی و غیبت مشغولیت روزانه شان میباشد. اینها شاید دروغ نمی گویند ولی در راستی های فتنه انگیز چنان اضطراب و اغتشاش راه می اندازند که شاید از دروغگویان هم بدتر باشند.

نویسنده مزامیر خوب گفته است که «ای خداوند، چه کسی می تواند به خیمه تو وارد شود؟ چه کسی می تواند در خانه مقدس تو بماند؟ کسی که

بی عیب و بی ریا باشد و هر کاری را با صداقت انجام دهد، کسی که از دیگران بدگویی نکند، به تهمت ها گوش ندهد و به همسایه خود بدی نکند، کسی که بدکاران را خوار بشمارد ولی به کسی که از خدا می ترسد احترام بگذارد، کسی که به قول خود وفا کند اگر چه به ضررش تمام شود، پول قرض دهد ولی سود آن را نگیرد، و از گرفتن رشوه برای دادن شهادت بزد بی گناه خودداری کند. چنین شخصی همیشه پایدار خواهد ماند.» (مزمور ۱۵).

بیائید تا نگاهی به سراپای خویش بیفکنیم. شیطان حتی الامکان کوشش کرده وادارد. باید مطمئن شد که گناه هر چند کوچک باشد به انهدام منتهی می شود. برای رفع گناه فقط یک راه موجود است. تحت کنترل خود شخص میباشد. با دقت هرچه تمامتر خود را در ترازوی ابدی خداوند بسنجیم و در هر موردی که بدور از مصلحت خداوند باشد تصمیم بگیریم و روش صحیح را در زندگی انتخاب کنیم و از ته قلب از دهنده قدرت بطلبیم تا قوت زیستن مطابق اراده خود را بما بدهد.

برنامه بعدی ما راجع به دشمن انسان میباشد.